

شرح های مثنوی در منطقه آناتولی

Ali Güzelyüz*

مثنوی، نام اثر مشهور 6 جلدی مولانا جلال الدین می باشد که از 25632 بیت تشکیل یافته است.¹ برای درک و فهم معنی مثنوی، شرح های متعددی بر آن نوشته شده است. در آناتولی نخستین شرح ها در قرن پانزدهم میلادی تألیف شده است. "مولوی ابراهیم بیگ" که اولین شارح مثنوی در آناتولی محسوب می شود، 17 حکایت مثنوی، را به شکل شعر شرح کرده است.² این اثر از 2377 بیت تشکیل یافته و موضوع ها از لحاظ نصوص تحلیل شده است.³

یکی دیگر از نخستین مترجمین و شارحین مثنوی، شیخ معین الدین بن مصطفی می باشد که وی در عین حال از نخستین شاعران مولویه که پس از مولانا پرورش یافته اند، به شمار می آید و به "معینی" تخلص داشته است. "معینی"، جلد اول مثنوی را بنام «معنوی مرادیه» در دو جلد به شکل شعر در همان وزن مثنوی مولانا ترجمه و شرح کرده، آن را در سال 840 هجری/1436 میلادی به پایان رسانیده و به سلطان عثمانی "مراد دوم" تقدیم کرده است.⁴ این اثر، از لحاظ ترجمه و شرح بسیار عالی می باشد و با زبانی ساده تألیف شده است.

* Doç. Dr., İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi.

¹ شماره ابیات مثنوی در نسخه های خطی مختلف می باشد و بین 25585 تا 26660 است. در نسخه های خطی منطقه هندوستان تا حد 30 هزار می رسد. ولی در نشر نیکولسون که مقبول عام است، شماره ابیات 25632 است. نک. Nicholson, R.A., *The Mathnawi of Jalaluddin Rumi*, I-VIII, Leiden 1925-1940

² نسخه خطی منحصر به فرد این اثر در استانبول در کتابخانه حاجی سلیم آغا در بخش کمانکش امیر خواجه با شماره 250 در برگهای 107-122 ثبت شده است.

³ نک. İsmail Güleç, "Türk Edebiyatında Mesnevî Tercüme ve Şerhleri", *Journal of Turkish Studies*, 27/II, p. 161-176, Harvard 2003

⁴ نسخه خطی این اثر در کتابخانه آثار خطی و چاپی قدیم بورسا در بخش اولو جامع با شماره 1665-1664 نگهداری می شود. آقای پروفسور دکتر کمال یاوز نزدیک به 3000 بیت از این شرح را منتشر کرده است. نک. Kemal Yavuz, *Mesnevî-i Muradiye*, Ankara 1982

«شیخ علی بن مجد الدین الشاهرودی» که به نام «مصنّف» معروف است، در عهد سامان محمد فاتح، در سال 845 هجری، به قارامان سر زده و چون علاقه مردم قارامان نسبت به مثنوی را دیده بعضی از بخشهای مثنوی را به فارسی شرح و به بیگ قارامان اوغلو «سلطان ابراهیم بن محمد بن علاء الدین» تقدیم کرده است.⁵

«شاهدی ابراهیم دده» نیز از هر جلد مثنوی، یکصد بیت انتخاب کرده و در اثر فارسی خود که «گلشن توحید» نام دارد، هر یک بیت را با پنج بیت به شکل شعر با همان وزن مثنوی مولانا شرح و توضیح کرده است. این اثر، سال 1878 در استانبول چاپ شده و سال 1967 از سوی آقای مدحت بهاری نیتور به ترکی به شکل بشر بر گردانده شده است.⁶

مثنوی در آناتولی به طور کامل نخستین بار در قرن شانزدهم میلادی از سوی «گلیبولو سروری» مصلح الدین مصطفی أفندی» به فارسی شرح و توضیح شده است.⁷ این شرح که با تحلیل ابیات از نظر دستور زبان و توضیح حکایات محدود می باشد، از لحاظ تصوف ضعیف است. در بسیاری از منابع نوشته شده است که «سودی بوسنوی» هم مثنوی را به ترکی شرح کرده است. ولی در تمام کانالوگ های آثار حطی به هیچگونه ثبتی از این اثر بر خورد نشده است. «سودی» در ضمن، اثری نام «رساله مشکلات و اصطلاحات مثنوی» تألیف کرده است. «مصطفی شمعی أفندی» هم بین سالهای 1001-995 هجری/1587-1592 میلادی یک شرح کامل بر مثنوی به ترکی تألیف کرده است.⁸ این شرح، از شرح های قبل شهرت بیشتری پیدا کرده است.

اسماعیل رُسوخی أفروی، در کتاب «مجموعه اللطائف و معموره المعارف» خود تمام مثنوی را شرح کرده است.⁹ در میان شرح های ترکی، این شرح، رغبت و قبول بیشتری پیدا کرده است. «انقروی» در مقدمه می گوید که مثنوی را بر اساس منابع علوم اسلامی که شماره شان بیشتر از چهل اثر می باشد، از لحاظ تصوف شرح و توضیح کرده است. میان این منابع، کتاب «فتوحات مکیه» ابن عربی را بیشتر به کار برده است. «انقروی»، در اثر خود، از یک سو افکار مولانا را توضیح داده و از سوی دیگر پایه های عمومی تصوف را با بیانی ساده، روشن کرده است. ولی به علت اینکه در شرح مثنوی تا حد زیادی زیر تأثیر ابن

⁵ نسخه خطی مؤلف این اثر در کتابخانه سلیمانیه در استانبول نگهداری می شود. دکتر مصطفی چیچکلر، در تحقیق و نشر این اثر کوشش می کند.

⁶ نک. İsmail Güleç، همانجا؛ Semih Ceyhan, "Mesnevî", TDV İslâm Ansiklopedisi, c. 29, s. 325-334, Ankara 2004

⁷ نسخه خطی این اثر در استانبول در کتابخانه سلیمانیه در بخش حسن حسنی یاشا با شماره 686 ثبت شده است.

⁸ نسخه های مؤلف این اثر در کتابخانه دولتی بازنید و در کتابخانه سلیمانیه نگهداری می شود.

⁹ «انقروی» چند هفتم مثنوی را که تألیف مولانا نیست، نیز شرح کرده و بدین سبب با انتقاداتی روبرو شده است.

عربی" قرار گرفته و از افکار وی پیروی کرده، مردم، مولانا و مثنوی را به شکل مختلفی شناختند. در حقیقت، آن چنان که از شواهد بر می آید، اکتار و آراء "محي الدين بن عربي" و "مولانا جلال الدين" به هم نزدیک است ولی در برخی از بایه ها از همدیگر جدا می شوند. درک تصوفی "ابن عربي" که نظریه وحدت وجود را پایه ریزی کرده، یک تصوف فلسفی و نظری است که متکی بر معرفت و عرفان است. ولی به نظر مولانا، پایه های تصوف، حالات عشق، جذب و وجد می باشد. تمایلات شرح کردن مثنوی با آراء و افکار "محي الدين بن عربي، قبل از "انفروی" شروع شده بود، ولی "انفروی" آخرین شکل این نوع شرح ها را پایه ریزی کرده است. این گونه شرح ها پس از "انفروی" هم بدون تغییر ادامه یافت. ¹¹ این کتاب در قاهره و استانبول باها به چاپ رسیده و بنا به خواهش مولویان دمشق از سوی "جنگی یوسف زده" به نام «المنهج القوی لطلاب المثنوی» به عربی برگردانده شده است. با همت "عصمت ستارزاده" نیز با نام «شرح کبیر انقرووی بر مثنوی معنوی مولوی» به فارسی ترجمه شده است. ¹¹

"عبد المجید سیواسی"، 1328 بیت از دفتر اول مثنوی را به اسم «شرح جزیره المثنوی» تفسیر کرده است. سیواسی شرح هایی را که در عهد او تألیف شده، کافی نمی بیند و می گوید برای اینکه هر بیت به کدام مقام یا کدام آیه و یا حدیث نبوی را دلالت می کند توضیح بدهد و نیز برای اینکه مبتدیان این راه، مثنوی را باسانی فهم و درک کنند، به شرح آن مبادرت و اقدام کرده است. ¹²

"اشرفی پیر محمد مولوی" نیز 4 دفتر اول مثنوی را به نام «خزینه الأبرار» تشریح کرده است.

"صاری عبد الله افندی" دفتر اول مثنوی را به نام «جواهر بواهر مثنوی» شرح کرده است. ابن اثر که در 5 جلد چاپ شده، نه فقط یک شرح است بلکه مانند یک دائرة المعارف تصوف است.

کتاب «روح المثنوی» ¹³ تألیف "اسماعیل حقی بورسوی"، شرح بسیار مفصّلی به ترکی بر 738 بیت از دفتر اول مثنوی است. "بورسوی" در پایان اثر خود می گوید که برای فهم و درک مفهوم تمام مثنوی،

Erhan Yetik, "Ankaravî, İsmail Rusûhî", TDV İslâm Ansiklopedisi, c. 3, s. 211-213, ¹⁰
İstanbul 1991

¹¹ اصل ترکی این اثر سالهای 1221، 1242 و 1251 در قاهره؛ سالهای 1257 و 1289 نیز در استانبول؛ ترجمه عربی، سال 1289 در قاهره و ترجمه فارسی اش سال 1348 در تهران به چاپ رسیده است.

Abdulmecîd-i Sivâsî, Şerh-i Mesnevî, Beyazıt Devlet Kütüphanesi, Veliyyuddin 1651, ¹²
v. 3^b

¹³ این اثر سال 1287 در استانبول در دو جلد به چاپ رسیده است.

شرح این بیت کافی است. لیکن شیخ نقشبندی محمد مراد افندی در کتاب «خلاصه الّوح»¹⁴، تمام مثنوی را شرح کرده است.

مصطفی شمععی دده، مثنوی را به شکل نثر و با اختصار در 6 جلد توضیح داده است. و اما صبحی احمد بن محمد که یکی از خدمت گزاران نام آور مولویخانه ینی قاپی می باشد، بنا بر خواهش بعضی از مریدان و دوستان وی، آیات و احادیث مثنوی و بعضی از ابیات مشکل آن را در اثر «اختیارات حضرت مثنوی شریف» به ترکی توضیح و شرح کرده است. فرق این شرح از شرح های دیگر، به کار بردن فراوان آیات و احادیث است.

سفائی محمد دده¹⁵ و شیخ مراد بخاری¹⁶ نیز شرح هایی مختصر بر مثنوی تألیف کرده اند.

یکی دیگر از شرح های نام آور مثنوی به ترکی در دوره اخیر، شرح عابدین پاشا می باشد. عابدین پاشا، جلد اول مثنوی را در 6 جلد تفسیر کرده است. این اثر، بین سالهای 1303-1326 در استانبول به چاپ رسیده است. اولین بیت مثنوی در 26 صفحه و بیت های دیگر هر یک در نیم صفحه شرح شده است و در آخر هر جلد فهرستی هست. شرح عابدین پاشا با این ویژگیها از شرح های دیگر متفاوت است:

1. بعضی از شرحها، در محور طریقت مولویه و دستورات اساسی آن تألیف شده است. ولی در شرح عابدین پاشا تصوف، در ساختمان کلی خود به کار رفته است. به هیچ طریقتی جای خاصی داده نشده است.

2. شرح عابدین پاشا به غایت واضح و ساده است و تمام طبقه های مردم باسانی می توانند از آن استفاده کنند. عابدین پاشا، تمام ابیات را جداگانه شرح کرده و علاوه بر این در جاهای لازم توضیحات مفصّلی داده است.

3. در شرح عابدین پاشا حلقه ایمان و اسلام به عنوان یک محور اتخاذ شده است. در مسأله های اساسی به افکار و آراء غربی نیز جا داده شده است. از آثار مفکران غربی چون سقراط، افلاطون، نیوتن، ولتر و نویسندگان غربی چون شکسپیر اقتباساتی گرفته شده است.

4. به تفصیلات زیادی و اصطلاحات تکنیکی جا داده نشده، و گویا مثنوی با همان زبان شعری دو باره به شکل نثر تألیف شده است. زبانی بسیار روان و ساده به کار برده شده است. عابدین پاشا خودش هم می گوید برای اینکه نوشته هایش باسانی فهمیده شود خیلی کوشش کرده است.

¹⁴ نسخه خطی، این اثر که 6 جلد می باشد، در کتابخانه دانشگاه استانبول در قسمت مخطوطات ترکی با شماره های 6309 تا 6314 ثبت شده است.

5. در شرح "عابدین باشا" کوشیده شده است که دو مکتب منفوت (اهل ظاهر و اهل باطن و با تصوف و کلام و یا عقل و دل) که صدها قرن است ادامه می یابند، در یک راستا بر خورد شود و علی رغم اینکه محور اساسی تصوف می باشد، یک متد مبنی بر عقل پیروی شده است.

"احمد عونی قونوق" نیز تمام مثنوی را در 34 دفتر شرح کرده است. وی، قبل از شروع به شرح مثنوی، شرح های ترکی و هندی را بررسی و در اثر خود از «فتوحات مکیه» محی الدین بن عربی استفاده کرده است. بدین سبب این شرح، مفصلترین و مؤثرترین شرح مثنوی محسوب می شود. قونوق، برخی از مهمترین ابیات مثنوی را با کمک اثر «فیه ما فیه» مولانا شرح و توضیح کرده است. وی، در مقدمه اثر خود می گوید که متن نسخه "اسماعیل رُسوخی انقروی" را اساس گرفته و به انار شارحان هندی مانند "امدادالله"، "بحر العلوم عبد العلی"، "ولی محمد اکبر ابادی" و "عبد الرحمن لکنوی" مراجعه کرده و شرح بسیاری از ابیات را به صورت مختصر ارائه کرده است.¹⁵ نسخه های خطی این اثر در "کتابخانه موزه مولانا" و در "کتابخانه قوجا راغب باشا" موجود است. از سال 2004 تا حالا، پنج جلد این کتاب در استانبول به چاپ رسیده و جلد ششم هم در دست چاپ است.

یکی دیگر از شارحین مثنوی، "طاهر المولوی" است. بعد از فوت استاد وی "محمد اسعد افندی"، شروع به تدریس مثنوی در مسجد جامع فاتح در استانبول کرده و با استفاده از یادداشتهای درسی که به نام "تقریرات مثنوی" تهیه شده بود، اصل این شرح را به وجود آورده است.¹⁶ "طاهر المولوی"، فقط شرح 4 جلد اول مثنوی را به پایان رسانیده و پس از شرح نزدیک به هزار بیت از جلد پنجم، فوت کرده است.¹⁷ نسخه اصلی مؤلف این اثر در "کتابخانه موزه مولانا" نگهداری می شود. این اثر، از سال 1963 به بعد در استانبول به چاپ رسیده است. "طاهر المولوی"، هنگام شرح، نخست، اصل فارسی بیت را می نویسد، بعد تلفظ آن را به ترکی می دهد، سپس ترجمه می کند و شرح و توضیح می دهد. در شرح خود به اندازه فراوانی از ابیات و احادیث اسنفاده کرده است.

"محمد مخلص قونر" می گوید که مثنوی شرح های زیادی دارد ولی جوانان روزگار ما در درک و فهم شرح ها سختی می کشند. بدین سبب می بایست مثنوی را با علم و فهم و زبان روزگار ما ترجمه و شرح کرد. لذا، تمام مثنوی را شرح کرده، لیکن بیت ها را یکی یکی ترجمه نکرده بلکه معنی حکایت ها را

15 A. Avni Konuk, *Mesnevî-i Şerif Şerhi*, I, yayına hazırlayanlar: Dr. Selçuk Eraydın-Prof. Dr. Mustafa Tahralı, İstanbul 2004, s. 29-56

16 Atilla Şentürk, *Tahirü'l-Mevlevî Hayatı ve Eserleri*, İstanbul 1991, s. 93

17 Tahirü'l-Mevlevî, *Şerh-i Mesnevî*, İstanbul ty, s. 15

خلاصه کرده، آنها را از یکدیگر جدا کرده، ترتیب داده و بدینسان مثنوی را به شکل واضح در آورده و "تَبّ مثنوی" نام نهاده است. این اثر در سال 1961 به چاپ رسیده است.¹⁸

در انابولی آخرین شرح کامل مثنوی از طرف "عبد الباقي گولپینارلی" تألیف شده و از سوی وزارت آموزش و پرورش ترکیه در 6 جلد، نخستین بار سال 1972 و دومین بار سال 1985 به چاپ رسیده است.

علاوه بر ترجمه و شرح های مثنوی که در منطقه اناتولی تألیف شده، ابراهیم کلشنی (فوت 940) نیز داستقبال مثنوی مولانا و به بزرگی آن یک متنوی معوی تألیف کرده است که شایان ذکر است.

¹⁸ نک. İsmail Güleç, همان جا.